

**Article Type:**  
Editorial

**How to Cite:**

Taghva A. A psychological analysis of iran's military engagement in the Twelve-Day War: Editorial. *EBNESINA* 2025;27(2):5-10.  
DOI: [10.22034/27.2.5](https://doi.org/10.22034/27.2.5)

1. Department of Psychiatry, Faculty of Medicine, Aja University of Medical Sciences, Tehran, Iran

✉ Corresponding Author:

Arsia Taghva

Address: Department of Psychiatry, Faculty of Medicine, Aja University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Tel: +98 (21) 39954956

E-mail: [drarsiataghva@irimed.org](mailto:drarsiataghva@irimed.org)



Aja University of Medical Sciences

**EBNESINA**

journal homepage: <https://ebnesina.ajaums.ac.ir>

ISSN: 1735-9503  
eISSN: 4653-2645



## **A psychological analysis of iran's military engagement in the Twelve-Day War: Editorial**

Arsia Taghva  

EBNESINA - IRIAF Health Administration

(Vol. 27, No. 2, Serial 91)



Copyright© 2025. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms. Downloaded from: <http://www.ebnesina.ajaums.ac.ir>

Beyond its tactical and strategic dimensions, any military conflict can also be analyzed as a psychosocial event. The Twelve-Day War against Iran (13 June – 24 June 2025) offered a unique opportunity to examine the short- and long-term psychological effects of such crises on Iranian society.

A key mechanism for coping with anxiety in cognitive psychology is the “sense of control”. Iran’s military operations, to some extent, reinforced this “sense of agency” within society. This perception helps mitigate uncontrolled and unproductive anxiety in the face of threats [1]. The positive psychological impact includes a reduction in feelings of defenselessness against external threats and a general decrease in collective anxiety. According to the “perceived control theory”, individuals who believe they can influence their environment are less prone to stress-related disorders. Thus, the conflict, as a “controlling event,” may have served a positive psychological function at the collective level.

Additionally, external crises often trigger the “common enemy effect” or “in-group cohesion” in social psychology, fostering greater collective unity [2]. During the Twelve-Day War, Iranian society exhibited heightened solidarity, cooperation, and empathy in public spaces, reinforcing national identity as a psychological defense mechanism.

While this solidarity may diminish over time, the “collective stress” induced during the conflict remains significant. Research indicates that even short-term conflicts, when accompanied by existential threats, can provoke post-traumatic stress disorder (PTSD) symptoms in vulnerable individuals—even without direct exposure to violence [3]. High-risk groups include children and adolescents (particularly among those with a history of domestic family conflicts or psychological trauma), individuals with pre-existing anxiety disorders, and families with war-related trauma (e.g., survivors of Iran–Iraq War).

Symptoms such as insomnia, war-related nightmares, obsessive media consumption (doomscrolling, zombie scrolling, and social media addiction), and heightened tension in familial and workplace relationships are common in these populations [4]. The collective stress model further suggests that indirect factors, like intense media coverage and military threats, can induce vicarious trauma, especially in societies with a collective memory of war [5].

Children and the elderly require special attention during such crises. Children, lacking the cognitive tools to process war’s harsh realities, may exhibit symptoms like insomnia, nightmares, bedwetting, social withdrawal, boredom, or loss of appetite. Parents must interpret these behaviors through the lens of their children’s fears rather than their own [6].

The media and social networks played a dual role during the conflict. On one hand, they bolstered hope and resilience through positive messaging. On the other, the spread of anecdotes, exaggerations, and alarming imagery fueled information anxiety—a state of information overload where excessive information hampers mental processing and critical thinking [7]. This environment risks fostering collective thought conformity and exacerbating anxiety or obsessive-compulsive tendencies, even among those far from physical danger. However, segments of society that actively debunked rumors demonstrated resilience against psychological warfare [8].

The long-term psychological outcome hinges on post-crisis management. Structured psychological rehabilitation programs can enhance collective resilience and reduce chronic PTSD risks. Conversely, neglect may transform temporary stress into pervasive anxiety, increase psychosomatic illnesses, and erode public trust if official narratives diverge from lived realities [9].

From a psychological standpoint, the Twelve-Day War was both an opportunity to strengthen Iran's psychosocial capital and a stark reminder of its latent vulnerabilities. Military crises can catalyze effective psychological interventions, provided they are met with structured programs. Media and educational institutions must prioritize stress management and psychological rehabilitation. Public discourse should also accommodate genuine anxieties, serving as a therapeutic outlet.

Modern wars are won not only on battlefields but also in the minds of societies [10]. True victory is achieved when mental health is recognized as a cornerstone of national security infrastructure.

#### **Conflict of Interest**

Author declared no conflict of interest.

# تحلیل روان‌شناختی درگیری نظامی ایران در جنگ دوازده روزه: سخن سردبیر

ارسیا تقوا<sup>۱</sup>

(سال بیست و هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴، مسلسل ۹۱)

فصلنامه علمی پژوهشی ابن‌سینا / اداره بهداشت، امداد و درمان نهجا

۱. گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم  
پزشکی آجا، تهران، ایران

نویسنده مسئول: ارسیا تقوا  
آدرس: گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم  
پزشکی آجا، تهران، ایران  
تلفن: ۳۹۹۵۴۹۵۶ (۲۱) +۹۸  
ایمیل: drarsiataghva@irimed.org

هرگونه درگیری نظامی، فراتر از ابعاد تاکتیکی و استراتژیک، به عنوان یک رویداد روانی اجتماعی نیز قابل تحلیل است. دوازده روز درگیری نظامی علیه ایران در اواخر بهار ۱۴۰۴، فرصتی منحصر به فرد برای بررسی تأثیرات روان شناختی کوتاه مدت و بلند مدت چنین بحران هایی بر جامعه ایران فراهم کرده است.

یکی از مهمترین مکانیسم های مقابله با اضطراب در روان شناسی شناختی، «حس کنترل» است. عملیات نظامی ایران، تا حدودی حس کنترل فعال<sup>۱</sup> را در جامعه تقویت کرد. این حس، در مقابل موقعیت های تهدید آمیز، از بروز اضطراب بی کنترل و بی ثمر جلوگیری می کند [۱]. اثر مثبت این پدیده روان شناختی کاهش احساس بی دفاعی در مواجهه با تهدیدات خارجی و کاهش نسبی اضطراب عمومی خواهد بود. طبق نظریه «کنترل ادراک شده»<sup>۲</sup>، افرادی که خود را قادر به تأثیر گذاری بر محیط می دانند، کمتر دچار اختلالات تنش زا می شوند. این عملیات به عنوان یک «رویداد کنترل کننده» می تواند عملکرد روان شناختی مثبتی در سطح جمعی داشته باشد. از دیگر موارد در شرایط بحران خارجی، پدیده ای شناخته شده در روان شناسی اجتماعی به نام «اثر دشمن مشترک»<sup>۳</sup> یا «هماوردی درون گروهی»<sup>۴</sup> رخ می دهد و منجر به افزایش وحدت جمعی می گردد [۲]. در جنگ دوازده روزه شاهد افزایش همبستگی و تمایل به همکاری و همدلی در فضای عمومی جامعه ایران بودیم که اثر مثبت آن تقویت هویت ملی به عنوان یک مکانیسم دفاعی روانی محسوب می شود. البته اثر این همبستگی در گذر زمان ممکن است تحلیل برود.

با وجود این نمی توان از استرس جمعی<sup>۵</sup> که در طول این دوازده روز در جامعه ایجاد شد، چشم پوشی کرد. مطالعات نشان می دهد حتی درگیری های کوتاه مدت، اگر همراه با تهدید

وجودی وسیع باشند، می توانند علائم اختلالات به دنبال تروما مثل اختلال استرس پس از سانحه (PTSD)<sup>۶</sup> را در افراد مستعد، حتی بدون تجربه مستقیم خشونت، فراهم کنند [۳]. در این بین گروه هایی مثل کودکان و نوجوانان (به ویژه با تجربه مناقشات داخلی خانواده یا سابقه آسیب روانی)، افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی پیشین، خانواده های با تجربه جنگ (مانند بازماندگان جنگ ایران-عراق) آسیب پذیرتر هستند و می توانند علائمی همچون بی خوابی و کابوس های مرتبط با جنگ، افزایش استفاده از رسانه ها به صورت وسواسی<sup>۷</sup> و افزایش تنش در روابط خانوادگی و محل کار را به دنبال داشته باشد [۴]. طبق مدل استرس جمعی، حتی رویدادهای غیرمستقیم مانند پوشش رسانه ای فشرده و تهدیدهای نظامی، به ویژه در جوامعی که حافظه جمعی جنگ را در خود دارند، می توانند منجر به صدمه ثانویه<sup>۸</sup> شوند [۵]. در این مرحله کودکان و سالمندان مهمترین گروه هایی هستند که باید تحت مراقبت قرار بگیرند. کودکان در درک شرایط وخیم جنگ از ادراک لازم برخوردار نیستند. طبیعی است که والدین باید شرایط فرزندان را، نه از دریچه نگاه خود، بلکه از منظر واهمه های کودکانه ببینند. کودکانی که علایمی چون بی خوابی، کابوس، شب ادراری، گوشه نشینی، بی حوصلگی و کم اشتها را نشان می دهند، بیشتر از بقیه نیازمند توجه هستند [۶].

فضای رسانه ای و شبکه های اجتماعی در این دوازده روز، نقش دوگانه ای در زمینه روان شناختی ایفا کردند. از یک سو، با انتشار تصاویر و پیام های موفقیت آمیز، به تقویت حس امید و قدرت کمک کرد. از سوی دیگر، با گردش شایعات، اغراق ها و تصاویر هراس آور، زمینه ساز اضطراب اطلاعاتی<sup>۹</sup> شد. اضافه بار اطلاعاتی<sup>۱۰</sup> حالتی از استرس ذهنی است که فرد به دلیل حجم زیاد پیام های اطلاعاتی تجربه می کند. این حجم زیاد، به

6. Post-traumatic stress disorder

7. doomscrolling, zombie scrolling, and social media addiction

8. Vicarious Trauma

9. Information Anxiety

10. Information Overload

1. Sense of Agency

2. Perceived Control Theory

3. Common Enemy Effect

4. In-group Cohesion

5. Collective Stress

واقعیت‌های زیستی مردم می‌گردد [۹].

جنگ دوازده روزه، از منظر روان‌شناختی، هم فرصتی برای تقویت سرمایه‌های روانی-اجتماعی جامعه ایران بود و هم هشدار جدی درباره آسیب‌پذیری‌های پنهان آن. بحران‌های نظامی می‌تواند فرصتی برای خلق درمان‌های موفق روانی باشد، شرط نیل به این هدف اجرای برنامه‌های ساختارمند است. همچنین رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، به ترمیم روانی آموزش مقابله با استرس بپردازند. فضای عمومی برای بیان اضطراب‌ها و نگرانی‌های واقعی باز بماند تا بستری برای ترمیم باشد. جنگ‌های مدرن، پیروزی‌هایشان را نه تنها در میدان نبرد، بلکه در ذهن و روان جامعه تثبیت می‌کنند [۱۰]. پیروزی زمانی تحقق می‌یابد که سلامت روان شهروندان به عنوان یک «زیرساخت امنیتی» ملی، مورد توجه قرار گیرد.

### تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

صورت ذهنی استرس‌زا تلقی می‌شود و منجر به کاهش کارایی در فرآیندهای شناختی و ایجاد یک مانع ذهنی محافظ در برابر پردازش عمیق فکری می‌شود [۷]. این امر می‌تواند خطر افزایش باور به فکر جمعی و کاهش تفکر انتقادی را در پی داشته باشد و نیز القای احساس «جنگ نزدیک» حتی در مناطق دور از خطر می‌تواند منجر به تشدید اختلالات اضطرابی و وسواسی در افراد مستعد گردد. از طرفی تقویت سواد رسانه‌ای در بخش‌هایی از جامعه که به‌طور فعال شایعات را فیلتر کردند نشان دهنده ظرفیت جامعه برای مقابله با جنگ روانی دشمن بود [۸].

پیامد روان‌شناختی این دوازده روز، به نحوه مدیریت پس از بحران بستگی دارد. اگر همراه با برنامه‌های ترمیم روانی باشد، می‌تواند تقویت تاب‌آوری جمعی و کاهش احتمال PTSD مزمن در جامعه را به دنبال داشته باشد. ولی اگر نادیده گرفته شود منجر به تبدیل استرس‌های موقت به اضطراب مزمن در لایه‌های مختلف جامعه، افزایش بیماری‌های روان‌تنی و کاهش اعتماد عمومی در صورت عدم تطابق گفتمان رسمی با

### References

- Moore JW. What Is the Sense of Agency and Why Does it Matter? *Front Psychol*. 2016;7:1272. doi:10.3389/fpsyg.2016.01272
- Bauer M, Blattman C, Chytilová J, Henrich J, Miguel E, Mitts T. Can War Foster Cooperation? *Journal of Economic Perspectives*. 2016;30(3):249–274. doi:10.1257/jep.30.3.249
- Drury J, Williams R. Children and young people who are refugees, internally displaced persons or survivors or perpetrators of war, mass violence and terrorism. *Curr Opin Psychiatry*. 2012;25(4):277–284. doi:10.1097/YCO.0b013e328353ee6
- Yousef AMF, Alshamy A, Tlili A, Metwally AHS. Demystifying the New Dilemma of Brain Rot in the Digital Era: A Review. *Brain Sci*. 2025;15(3). doi:10.3390/brainsci15030283
- Turnbull M, Watson B, Jin Y, Lok B, Sanderson A. Vicarious trauma, social media and recovery in Hong Kong. *Asian J Psychiatr*. 2020;51:102032. doi:10.1016/j.ajp.2020.102032
- Bragin M. The psychological effects of war on children: A psychosocial approach. *Trauma psychology: Issues in violence, disaster, health, and illness, Vol 1: Violence and disaster*. Westport, CT, US: Praeger Publishers/Greenwood Publishing Group; 2007:195–229.
- Grabovska S, Musakovska O. Information overload: the psychological area. *Psychological Journal*. 2020;6(7):18–29. doi:10.31108/1.2020.6.7.2
- Komal K, Dr. Shveta Singh K. Control on Thoughts and Ideas in the Dystopian Society. *International Journal of English Literature and Social Sciences*. 2025;10(3). doi:10.22161/ijels.103.71
- Saul J. Collective trauma, collective healing: Promoting community resilience in the aftermath of disaster. Routledge; 2022.
- Ogie RI, James S, Moore A, Dilworth T, Amirghasemi M, Whittaker J. Social media use in disaster recovery: A systematic literature review. *International Journal of Disaster Risk Reduction*. 2022;70:102783. doi:https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2022.102783